

صفحات ۲۸۰ - ۲۵۳

## بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی، هویت دینی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه نشین شهر کرمانشاه

قباد نادری<sup>۱</sup>

### چکیده

در دهه‌های اخیر مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ افزایش یافته و همین مسأله به افزایش تعداد حاشیه‌نشین‌ها و کانون‌های جرم‌خیز انجامیده است. در بسیاری از شهرهای کشور کانون‌های جرائم مرتبط با مواد مخدر وجود دارند که اغلب این کانون‌ها در ارتباط با مسأله حاشیه‌نشینی و مهاجرت شکل گرفته‌اند.

با توجه به اهمیت موضوع اعتیاد به عنوان ریشه‌ی بسیاری از جرائم پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار تحقیق پرسشنامه و استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS، به دنبال بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه‌ای به عنوان هدف اصلی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر افراد مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه می‌باشند که پس از ترک اعتیاد مجدداً به سمت مواد مخدر رفته‌اند و تعداد ۳۵۵ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته شده است.

نتایج تحقیق حاکی از ارتباط منفی و معکوس بین هویت اجتماعی (۰/۲۷-) و شاخص‌های آن یعنی هویت ملی (۰/۳۳-)، هویت جغرافیایی (۰/۱۵-)، هویت دینی (۰/۲۸-)، هویت فرهنگی (۰/۲۶-) و هویت تاریخی (۰/۱۷-) با بازگشت به اعتیاد می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر هویت اجتماعی در مجموع ۰/۶۱۷- از واریانس متغیر بازگشت به اعتیاد در نواحی حاشیه‌ای را تبیین می‌کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۸۰) برآورد می‌شود.

### واژگان کلیدی

اعتیاد، بازگشت به اعتیاد، معتادان بهبود یافته، هویت اجتماعی، هویت دینی

## طرح مسأله

به نظر می‌رسد که مصرف مواد مخدر دور باطلی از رفتارهای پرخطر، بیهودگی فردی و اجتماعی و تمایل مکرر به مصرف را پدید می‌آورد. در حقیقت می‌توان گفت که در هم تنیدگی عوامل مختلف زیستی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، پدیده اعتیاد را به یکی از پیچیده‌ترین مسائل زندگی بشری بدل ساخته است.

مشکلات و گرفتاری‌ها و آثار و عوارض و پیامدهای فردی، خانوادگی، شغلی، مالی و اجتماعی اعتیاد سبب شده است که به منظور پیشگیری، ترک و جلوگیری از بازگشت به مصرف مواد مخدر توسط افراد، تدابیر مختلفی اندیشیده شود و افراد و گروه‌های متخصص و کارآمد در این زمینه به کار گرفته شوند. مشاوران، مددکاران اجتماعی، آسیب‌شناسان اجتماعی، روان‌شناسان بالینی و وران پزشکان از جمله متخصصانی هستند که به نوعی با افراد معتاد سروکار دارند.

از آنجا که اعتیاد پدیده‌ای تک بعدی نمی‌باشد، بدیهی است که در پیشگیری، درمان و جلوگیری از بازگشت مجدد مصرف توسط افراد معتاد، نیز نمی‌توان تنها بر یک جنبه تکیه کرد. این امر می‌تواند علل ناکامی برخی از شیوه‌های به کار گرفته شده در حل این معضل در حوزه‌های فوق را توجیه کند. به خصوص در امر درمان، ظاهراً یکی از علل ناکامی تمرکز بر از بین بردن وابستگی جسمانی از راه درمان‌های دارویی است و به علل روانی و اجتماعی این پدیده توجه چندانی نشده است. این امر در حالی است که از جمله جنبه‌های مهم در بیماری اعتیاد، ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن می‌باشد. وابستگی روانی یا عادات خوگیری با میل شدید یا مستمر یا متناوب برای مصرف ماده مشخص می‌شود (سادوک و سادوک، ۱۳۸۹: ۸۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در رویکردهای درمانی که تنها به جنبه‌های جسمی اعتیاد مانند سم زدایی می‌پردازند، میزان عود بسیار بالا است. برای مثال در پژوهشی میزان باقی ماندن در درمان با نالتروکسان را به طور متوسط ۳۱۳ هفته ذکر کرده‌اند (فیاضی بردبار و همکاران، ۱۳۸۱). توجه به ابعاد روانی و اجتماعی اعتیاد و یکی از مهم‌ترین اجزاء آن (تمایل به مصرف مواد یا ولع مصرف) در فرایند درمان بسیار حائز اهمیت است. اهمیت

تجربه ولع مصرف در تداوم اعتیاد به مواد، در پژوهش های بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است. ولع مصرف مواد، یک موقعیت انگیزشی قدرتمند یا گرایش شدید به مصرف در فرد معتاد است. با وجود اهمیت پدیده «ولع مصرف» در ادامه فرایند سوء مصرف، تاکنون ساز و کار روانشناختی و جامعه شناختی مرتبط با این پدیده به طور کامل شناخته نشده اند (اختیاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

فردی که مدت ها از مصرف مواد مخدر به عنوان راهکاری در جهت مقابله با استرس ها، فرار از مشکلات، شیوه توزیع و حتی وسیله ی برقراری ارتباط اجتماعی در جمع دوستان استفاده کرده است، به راحتی نمی تواند پس از درمان های کوتاه مدتی چون سم زدایی، از گرایش دوباره به مصرف مواد رها گردد. بنابراین یکی از مهم ترین مسائلی که مسئولان و خانواده های معتادان بهبود یافته باید در نظر بگیرند اقدامات لازم در جهت کمک های مختلف به این افراد برای عدم بازگشت به اعتیاد است. شناسایی و به کارگیری این اقدامات می تواند به فرد معتاد کمک چشم گیری نماید تا دیگر جای مواد مخدر و یا توهم زا را که تا دیروز همدم و تسکین دهنده اش بود را خالی نبیند.

این مسئله به خصوص در مناطق حاشیه ای شهرها دارای اهمیت است. حاشیه نشینی خصلت بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می باشد. پس از سرعت انفجاری شهرنشینی و ظهور الگوی شهرنشینی در ایران، بخش قابل توجهی از فضای شهری و مناطق مسکونی را مناطقی به نام حاشیه یا سکونتگاه های غیر رسمی به خود اختصاص داده اند که وسعت زیادی از شهرها مختلف را در بر گرفته است. از دهه های اول قرن حاضر شمسی با ورود صنعت به ایران و همچنین اصلاحات اجتماعی و نیز اصلاحات اراضی در جامعه روستایی، تزریق عایدات نفتی به شهرها، کاهش مرگ و میر و در ادامه وقوع انقلاب اسلامی و جنگ به همراه دیگر عوامل موجب شد بخش عظیمی از جمعیت و نیروی کار روستایی به شهرها مهاجرت کنند و در نتیجه سبب گسترش حاشیه نشینی شوند. حاشیه نشینی یا اسکان غیر رسمی یکی از مهمترین مسائل شهری محسوب می شود که با خود پیامدهای منفی و مخربی افراد ساکن در منطقه به بار می آورد و باعث رفتارهای کجروانه از جمله گرایش به اعتیاد می شود و حتی بعد از کنار گذاشتن مواد محیط

نامناسب و وجود گروه‌های کجرو باعث گرایش مجدد فرد به اعتیاد خواهد شد (وینر، ۲۰۰۲: ۷؛ به نقل از اردلان و رزقی شیرسوار، ۱۳۸۸: ۶۸).

از جمله عوامل مرتبط با بازگشت به اعتیاد در بین افراد حاشیه‌نشین هویت اجتماعی افراد می‌باشد. در واقع، هویت چارچوب‌دواری افراد برای تعبیر تجارب شخصی، بحث درباره معانی، اهداف و مسیر زندگی‌شان به کار می‌برند و بسیاری از عوامل فردی مانند جنسیت، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و محیط خانوادگی، می‌توانند در شکل‌گیری هویت فرد نقش داشته باشند. علاوه بر این هویت فرد پس از شکل‌گیری متقابلاً باورها، برداشت‌ها و رفتارهای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲ - ۱۰). افراد سعی دارند فردیتی کسب کنند که متمایز از فردیت اطرافیان‌شان باشد و پیوسته سؤالاتی از قبیل من کیستم؟ آیا فردی موفق خواهم بود؟ و آیا مورد قبول واقع خواهم شد؟ را مطرح می‌کنند. این افراد در تلاش‌های خود برای کسب هویت شخصی رفتارهایی را مورد آزمایش قرار می‌دهند که باور دارند به دنیا نشان خواهد که آنها استقلال دارند و سعی می‌کنند که فرمانرواهای محیط خود باشند و درعین حال از سوی دیگر به صورت ناامیدانه‌ای به دنبال شواهدی می‌گردند مبنی بر اینکه آنها را به عنوان افراد مستقل قبول دارند (حسین پور و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس فرد ناامید و سرگشته به مواد مخدر پناه می‌آورد و حتی بعد از ترک کردن نمی‌تواند برای همیشه از آن دست بکشند. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد در بین افراد ساکن مناطق حاشیه‌شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟

شهر کرمانشاه به عنوان یکی از کلانشهرهای ایران دارای ۰/۳۰ منطقه حاشیه‌ای می‌باشد و در بسیاری از این مناطق حتی امکانات اولیه زندگی به راحتی یافت نمی‌شود و افراد ساکن در این منطقه دارای وضعیت بسیار نابه‌سامانی هستند. مشکل اما فقط رشد حاشیه‌نشینی و محروم بودن حاشیه‌ها از امکانات فرهنگی، رفاهی و بهداشتی نیست؛ مهمتر از آن پیامدهایی است که گسترش این مناطق و به ویژه محرومیت آن در پی دارد. سواد اغلب ساکنان این مناطق پایین است و چون توانمندی و مهارت شغلی خاصی هم ندارند، به

شغل های کاذب، غیرقانونی و انواع جرایم روی می آورند؛ در این میان گرایش به اعتیاد در این مناطق به شدت یافت می شود و یکی از بالاترین آمارهای معتادان در سطح کشور در این شهر و به خصوص در مناطق حاشیه ای می باشد.

در نگاه کلی، بیکاری، فقر، جمعیت بالا و کمبود زیرساخت های فرهنگی، رفاهی، آموزشی و درمانی مهمترین مشکلات مناطق حاشیه نشین استان کرمانشاه است که اکنون تبدیل به مامنی برای تبهکاران و باندهای قاچاق مواد مخدر شده است. چون نظارت مناسبی هم بر این مناطق نیست، به بهشت قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان تبدیل شده و خرید و فروش و مصرف انواع مخدرها و مشروبات الکلی در آنجا کاملاً عادی است. بنابراین حتی اگر فرد معتاد مدتی مواد مخدر را کنار بگذارد زمینه های بازگشت برای او به وفور یافت می شود و بنابراین باید هویت فرد معتاد کاملاً ثابت و محکم باشد تا بتواند دوباره گرفتار اعتیاد نشود. بنابراین بررسی موضوع ارتباط بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد مسئله ای مهم و قابل بررسی در مناطق حاشیه ای شهر کرمانشاه می باشد.

### پیشینه پژوهش

#### تحقیقات داخلی

- فرجی (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «تحلیل اجتماعی عوامل موثر بر بازگشت مجدد به مصرف مواد مطالعه موردی مرکز اقامتی درمانی ماده ۶۱ استان البرز» به انجام رساندند. این مطالعه به صورت پیمایشی و به روش مطالعه موردی بر روی ۰۷۴ نفر از افراد دارای اعتیاد در مرکز اقامتی درمانی ماده ۶۱ استان البرز انجام شد. یافته ها نشان دادند که بین برخی ویژگی های جمعیت شناختی و اجتماعی مثل سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، نوع ماده مصرفی، تعداد سال های کمپ رفته و وجود یا عدم وجود مصرف کننده در خانواده و فامیل با بازگشت اعتیاد رابطه وجود دارد.

- صفری حاجت آقایی و دیگران (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «فرا تحلیل مقایسه عوامل فردی و محیطی موثر بر بازگشت مجدد به اعتیاد بعد از ترک مواد مخدر» به انجام رساندند. روش پژوهش حاضر، یک پژوهش فراتحلیل با استفاده از رویکرد هانتز و اشمیت است. به این منظور از بین ۴۲ پژوهش، ۲۸ پژوهش که از لحاظ روش شناسی مورد قبول

بود، انتخاب و فراتحلیل بر روی آن‌ها انجام گرفت. یافته‌ها نشان دادند که میزان اندازه اثر عوامل محیطی و عوامل فردی در عود مجدد اعتیاد به ترتیب ۰.۶۴ و ۰.۴۱ به دست آمد.

- شیخ الاسلام و کاکویی (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «رابطه بین ابعاد هویت و سبک دلبستگی با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر» به انجام رساندند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین هویت اجتماعی و ارتباطی و سوء مصرف مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد. همچنین در بین خرده مقیاس‌های سبک دلبستگی، تنها بین خرده مقیاس وابستگی و سوء مصرف مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد.

- سماوی و دیگران (۱۳۸۸) پژوهشی را با عنوان «سوء مصرف مواد مخدر و پایگاه هویت در دانشجویان» به انجام رساندند. این پژوهش با هدف پیش‌بینی سوء مصرف مواد مخدر بر اساس پایگاه هویت در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس انجام شد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان دادند که هویت‌های تحمیل شده و پراکنده پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار سوء مصرف مواد هستند و هویت‌های موفق و معوق نتوانستند سوء مصرف مواد را پیش‌بینی کنند.

### تحقیقات خارجی

- ویلز<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۳) تأثیر رویدادهای منفی زندگی (بیمار بودن، بیکاری والدین و ...) و نیز تأثیر محافظت‌کننده دین را بر مصرف مواد مخدر بر اساس یک مطالعه طولی مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، به موازات افزایش پایه تحصیلی افراد، مصرف مواد نیز افزایش پیدا کرده است. دینداری در همه پایه‌های تحصیلی با شاخص ترکیبی مصرف مواد رابطه منفی معنی‌دار داشت. در مقابل، روی دادهای منفی زندگی با مصرف مواد رابطه مثبت و نسبتاً بالایی داشت. این یافته‌ها اثر بازدارنده دین بر مصرف مواد مخدر را نشان می‌دهد. دینداری اثر فشار زندگی<sup>۲</sup> بر سطح اولیه مصرف مواد و نرخ رشد آن در طول زندگی را کاهش می‌دهد.

- یاکوبیان و پیترز<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در مطالعه ای بر اساس یک نمونه دانش آموزی ارتباط مصرف اکستازی با متغیرهای جمعیت شناختی و سایر متغیرها را در ایالات متحده مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه نشان داد که احتمال مصرف اکستازی توسط کسانی که دین در زندگی آن ها نقش مهمی داشت و نیز آن هایی که دوستان سیگاری کمی داشتند کمتر از سایرین بود.

- هافمن و سربونن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز در مطالعات خود به «تأثیر اعتیاد والدین در گرایش افراد به اعتیاد» پرداخته اند. بر اساس یافته های پژوهش آنان زمانی که والدین مواد مخدر مصرف میکنند احتمال بیشتری وجود دارد که فرزندان آنها نیز معتاد گردند.

- اسلام<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۰۰) در پژوهشی با عنوان «سبک های جنسی زندگی و پایگاه اجتماعی معتادان در بنگلادش» به این نتیجه می رسد که معتادان جوان با تحصیلات متوسطه، درآمدهای پایین و متوسطی داشته و همچنین شدت اعتیاد مردان متأهل بیشتر از مردان مجرد است. او در ادامه بر تأثیر معاشرت با دوستان معتاد در گرایش افراد به مواد مخدر می پردازد (اسلام و دیگران، ۲۰۰۰). محققان مختلفی نیز عواملی چون نوع ارتباط والد - فرزندی، میزان حمایت والدین از فرزندان، کمیت و کیفیت وابستگی عاطفی فرزند به والدین و غیره را در گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد مخدر موثر دانسته اند (اسپونر، ۱۹۹۹: ۴۵۳؛ پاترسون و دیگران، ۱۹۹۲).

- ارفورد<sup>۴</sup> (۱۹۹۴) در مطالعات خود در خصوص «علل اعتیاد در میان دانشجویان در آمریکا» نشان می دهد که اکثر دانشجویانی که معتاد بودند دچار سرخوردگیهای ساختاری و هویتی بودند. عدم رسیدگی به خواسته های عاطفی آنان توسط اجتماع از علل گرایش آنان به اعتیاد است.

- 
- 1 . Yacoubian Peters
  - 2 . Hoffman and Serbonen
  - 3 . Islam
  - 4 . Orford

## مبانی نظری

### نظریه‌های گرایش به اعتیاد

در زمینه گرایش به مواد مخدر، پژوهش‌گران به علل و عوامل فراوان و گوناگون اشاره کرده‌اند که طیفی گسترده از معضلات اجتماعی، خانوادگی، و حتی روانی را در بر می‌گیرد. این گستردگی علل و عوامل بیشتر برخاسته از نامحدود بودن دامنه این بیماری است، به گونه‌ای که تمام مرزهای جغرافیایی، مذهبی، و اجتماعی را در نور دیده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی، اغلب مصرف مواد مخدر پیامد آن دسته از وضعیت‌ها و روابط اجتماعی است که به ایجاد ناامیدی، ناکامی، محرومیت، و در میان بخش‌های آسیب‌پذیر جمعیت می‌انجامد (بی‌ناکی<sup>۱</sup>، ۱۹۸۶).

### نظریه آنومی

یکی از نظریه‌های به کار رفته در تبیین موضوع اعتیاد نظریه آنومی است. نخستین بار، امیل دورکیم<sup>۲</sup>، اصطلاح آنومی را برای توصیف وضعیت اجتماعی غیرطبیعی به کار برد؛ وضعیتی که در آن، انسجام اجتماعی بر اثر بحران‌هایی از قبیل رکود اقتصادی تضعیف می‌شود. این بحران‌ها باعث می‌شود که فرد بدون در نظر گرفتن جامعه به دنبال منافع شخصی خود باشد. از دیدگاه مرتون (۱۹۶۴) مسئله هنگامی پدید می‌آید که کنشگران با تضاد میان اهداف و وسایل دستیابی بدان مواجه می‌شوند و بدین ترتیب، فرد از جامعه‌ای که در واقع، آرمان‌های خود را نادیده می‌گیرد، این فشار به ویژه در میان بخش‌های آسیب‌پذیر جمعیت، مواد مخدر مصرف می‌کنند، شایع است (آبادینسکی، ۱۳۸۴: ۲۱۲).

همچنین مرتون<sup>۳</sup> در بحث از آنومی می‌گوید: نابسامانی، به مفهومی که خود آن را مطرح کرده است، ناظر به ناسازگاری بین اهداف فرهنگی و وسایل نهادی شده و مقبول برای دستیابی به آن اهداف است. این نظریه بیشتر به موقعیت طبقه پایین جامعه در ساخت

- 1 . Biernacki
- 2 . Emile Durkheim
- 3 . Merton



طبقاتی جامعه توجه دارد. به نظر مرتون، جامعه، همه افراد از جمله اعضای طبقه پایین را ترغیب و تشویق می‌کند تا به سوی اهداف متوسط به بالا بشتابند در حالی که محدودیت‌های اقتصادی-اجتماعی، این امر را دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. بنابراین، افراد طبقه پایین که راه خود را مسدود می‌بینند و در نتیجه احساس ناراحتی و محرومیت می‌کنند، احتمال دارد برای رسیدن به اهداف مورد نظر به روش‌های نابهنجار و انحرافی متوسل شوند. در عین حال مرتون استدلال می‌کند که به خاطر پیچیدگی ساخت اجتماعی، افراد نسبت به وضعیت نابسامان واکنش یکسانی ندارند. او بر اساس جهت‌گیری افراد نسبت به اهداف فرهنگی و وسایل مقبول رسیدن به آن‌ها، پنج روش را برای سازگاری با ساخت نابسامان ممکن می‌داند که عبارتند از: هم‌نوایی، بدعت، مناسک‌گرایی، کناره‌گیری و قیام. همه این گزینه‌ها، به استثنای هم‌نوایی صورت‌های آسیب‌شناسانه سازگاری با ساخت نابسامان است (مرتون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۰: ۱۱۶-۱۲۲). در سال ۱۹۶۴ چین و همکارانش در بررسی‌های خود دریافتند که آنومی با مصرف مواد مخدر همبستگی شدیدی دارد. بروس الکساندر، بر اساس مدل سازگاری، وابستگی بی‌اختیار به مواد مخدر را تلاش برای رویارویی با شکست ناشی از همبستگی می‌داند؛ یعنی، شکست در دستیابی به انواع تأیید اجتماعی، هویت اجتماعی، اعتماد به نفس، و استقلال شخصی، که حداقل انتظارات فرد از جامعه است (الکساندر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۳۹).

### نظریه کنترل اجتماعی

ساترلند و کرسی<sup>۳</sup> به مبحث چگونگی انتقال رفتار مجرمانه در قالب پیوند افتراقی می‌پردازند. مصرف مواد مخدر هنگامی ایجاد می‌شود که پیوندهای کج روانه افراد بیش از پیوندهای معمولی آنها باشد. بر اساس نظریه‌های کنترل اجتماعی، کجروی هنگامی پدید می‌آید که تعهد فرد به جامعه ضعیف یا نابود شود. در همین زمینه، یافته‌ها گویای آن است که رابطه‌ی نوجوانان با مواد مخدر یا هر جرم دیگر همبستگی شدیدی با

- 
1. Merton
  2. Alexander
  3. Sutherland

بیگانگی از خانواده دارد (بونستین<sup>۱</sup> و دیگران، ۱۹۹۰: ۱۰).

### نظریه کنترل اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی<sup>۲</sup> از جمله نظریه‌های کنترل است که هم کنترل بیرونی و هم کنترل درونی را مورد توجه قرار می‌دهد (دیویس و ستاز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۰: ۴۲). هیرشی با الهام از دورکیم، معتقد است که رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است. در نظریه هیرشی چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران عادی دیده شده است:

دلبستگی: میزان توجه و حساسیت فرد نسبت به دیگران و دیدگاه‌ها و توقعات‌شان؛  
سرسپردگی: میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار همنوا و نابهنجار افراد؛

درگیر بودن: میزان وقتی که فرد در فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛  
هویت داشتن: میزان اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی درونی برای فرد، یا میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی. (آبادینسکی، ۱۳۸۴: ۷۲؛ وایت و هینز، ۱۳۸۳: ۳۰۷ - ۳۰۶).

هر عنصر یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است. تا زمانی که فردی به گروه‌های عادی جامعه ارتباط دارد، از هنجارهای اجتماعی پیروی می‌کند. ولی اگر یک یا چند حلقه ارتباطی ضعیف شد، احتمال منحرف شدن افزایش می‌یابد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳ - ۱۲۰).

### نظریه‌های انتخاب منطقی

یکی از عناصر اصلی وابستگی دارویی این است که افراد کنترل خود را نسبت به مواد از دست داده‌اند. برخی نظریه پردازان معتقدند افراد وابسته به دارو دو انتخاب دارند که با اینکه گزینه بهتر را می‌شناسند دیگری را انتخاب می‌کنند.

در مقابل برخی نظریه پردازان بر این باورند که افراد وابسته به دارو در استفاده از

- 1 . Bounstein
- 2 . Hirschi
- 3 . Davis & Stasz

مواد، انتخاب های منطقی انجام می دهند. بنابراین از نظر آنها کار درست روی آوردن به مواد است و مصرف مواد را منطقی تر می دانند. دیدگاهی دیگر برای حل این نقائص، معتقد است توانایی افراد در ارزیابی منافع فعلی در مقابل ارزیابی بلند مدت خودداری از مصرف قرار می گیرد (تیسون و همکاران، ۱۳۸۴).

### نظریه های بوم شناختی

شاو و مک کی<sup>۱</sup>، اصطلاح منطقه بزهکاری را ابداع کردند و می گویند که در محله های فقیرنشین شهرها، رفتار مجرمانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزشها و رفتارهای کجرو را یاد می گیرند و درونی می کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می شوند؛ زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می کنند که خود مجرم و منحرف بوده اند. به موجب تئوری که آنان ارائه می دهند، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی یک منطقه جغرافیایی معین (تراکم جمعیت مخصوصاً سطح اقتصادی) و به طریق اولی، طبیعت گروه ذینفع، تأثیری قاطع بر نرخ جرم دارند (گسن، ۱۳۷۰: ۱۴۹).

تحقیق اب (۱۹۸۹) در لائوس و نیجریه که با استفاده از آمارهای دادگاه جوانان بزهکار انجام شد، اطلاعات اضافی در مورد جنبه های فرهنگی الگوهای بوم شناختی بزهکاری به بار آورد. او مشاهده کرد که صرف نظر از زندگی جوانان در مناطق شهری مختلف، کنترل های اجتماعی غیر رسمی که تحت نفوذ عوامل فرهنگی شکل می گیرد بر میزان بزهکاری مؤثر است.

### نظریه های هویت اجتماعی

#### امیل دور کیم<sup>۲</sup>

دور کیم دو تیپ ایده آل برای جوامع متصور بود: یکی جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی بوده، ساختارهای اجتماعی آنها به نسبت کمتر، تفکیک شده اند و تقسیم کار در آنها یا وجود ندارد یا بسیار اندک است. وی دریافته بود که در این نوع جوامع، انسجام اجتماعی بر اساس همانندیها و شباهت های موجود بین افراد یک جامعه و

---

1 . Shaw and McKay

2 . Emile Durkheim

عمدتاً وابسته به مراسم و جریان‌های عادی مشترک است. از نظر دورکیم، جوامع ابتدائی به دلیل نبود پیشرفت تکنولوژیکی در آن‌ها، دارای ویژگی همبستگی مکانیکی‌اند، تکنولوژی، تخصصی شدن را ایجاب می‌کند که این تخصصی شدن منجر به شکل‌گیری تقسیم کار در جامعه می‌شود که این تقسیم کار هم موجب تیپ دوم جامعه‌ی مورد نظر دورکیم، یعنی جوامع مدرن می‌باشد که مشخصه‌ی آن‌ها همبستگی ارگانیک می‌باشد. در این جوامع، با [توجه به] اینکه ارزشها و اولویت‌های افراد با یکدیگر متفاوت است، بقای جامعه به اعتماد افراد به یکدیگر در انجام دادن وظایف خاص شان بستگی دارد. در جوامع مدرن با همبستگی ارگانیکی، دقیقاً به این دلیل که افراد با هم تفاوت دارند، اجماع صورت می‌گیرد، به این دلیل که استفاده متقابل از خدمات همدیگر سبب همبستگی اجتماعی بین آن‌ها می‌شود (دیلینی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۴).

### کاستلز<sup>۱</sup>

هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

### جورج هربرت مید<sup>۲</sup>

قضیه اساسی مید که نشان دهنده تفکر جامعه شناختی اوست، چنین است «جامعه‌ی

1 . Castells

2 . George Herbert Mead

انسانی، آنچنان که آن را می‌شناسیم، نمی‌تواند بدون ذهن‌ها و خودها وجود داشته است، زیرا اختصاصی‌ترین سیمای جامعه‌ی انسانی، داشتن ذهن‌ها و خودها به وسیله‌ی اعضای فردی‌اش را در نظر می‌گیرد (بلومر، ۱۳۷۳: ۱۷۳). بنابراین ملاحظه می‌شود که یکی از مفاهیم اساسی در تفکر مید، مفهوم خود است، و کاربرد مفهوم خود توسط مید در مقایسه با کاربرد این واژه در حوزه‌های دیگر، که به وجود محض چیزی یا نوع ویژه‌ای ارجاع داده می‌شود، تفاوت ماهوی دارد، مفهومی که مید از خود ارائه می‌دهد، مفهوم هویت را که در اساس مقوله‌ای اجتماعی است تداعی می‌کند.

### تاجفل<sup>۱</sup>

یکی از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی است که در سال ۱۹۷۸ نظریه هویت اجتماعی خود را مطرح کرده است. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی در مورد پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). براین اساس هویت اجتماعی از نظر تاجفل عبارتست از آن بخش از برداشت‌های یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی، همراه با اهمیت ارزشی آن عضویت سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). اساس نظریه‌ی تاجفل توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. به نظر وی، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم و بر اساس پایگاه و قدرت‌شان رابطه دارند و ساختار این ارتباط گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است.

### آنتونی گیدنز<sup>۲</sup>

به نظر گیدنز هویت عبارت است از خود‌آندوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان

---

1 . Tajfl

2 . Anthony Giddens

زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می‌باشد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷). گیدنز معتقد است که خود یک امر منفعل نیست که فقط از طریق تأثیرات درونی شکل بگیرد، افراد ضمن اینکه اقدام به ساختن و پرداختن هویت شخصی خویش می‌کنند به علاوه در ایجاد بعضی از تأثیرات اجتماعی دنیای اطراف خود مشارکت دارند در نتیجه افراد با انتخاب‌های متعددی روبرو می‌شوند که جوامع امروزی در پیش روی آنها قرار داده است و این وضعیت سبب می‌شود که افراد در تشکیل هویت خود دارای تنوع و گوناگونی مراجع هویت‌ساز باشند. گیدنز بر این باور است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی شدن در دوران متأخر دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶)؛

### ریچارد جنکینز<sup>۱</sup>

جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند - خویشی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و..... در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به

عنوان نمود رده بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند و در نتیجه باعث کاهش گرایش‌های فرد به انحرافات مختلف می‌شود (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

جنکینز معتقد است که اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت اجتماعی افراد داشته و به آنان امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس - که آن هم از اعتماد بنیادی سرچشمه می‌گیرد - امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به نوعی از امنیت وجودی و خوش بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۰).

### چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریه‌های مختلفی به عنوان مبانی نظری استفاده شده است. اما از این نظریه‌ها تنها تعدادی از آنها مبنای استخراج فرضیه‌ها هستند که چارچوب نظری را تشکیل می‌دهند.

بروس الکساندر، بر اساس مدل سازگاری، وابستگی بی اختیار به مواد مخدر را تلاش برای رویارویی با شکست ناشی از همبستگی می‌داند؛ یعنی، شکست در دستیابی به انواع تأیید اجتماعی، هویت اجتماعی، اعتماد به نفس، و استقلال شخصی، که حداقل انتظارات فرد از جامعه است (الکساندر، ۱۹۹۰: ۳۹).

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی از جمله نظریه‌های کنترل است که هم کنترل بیرونی و هم کنترل درونی را مورد توجه قرار می‌دهد (دیویس و ستاز، ۱۹۹۰: ۴۲). هیرشی با الهام از دورکیم، معتقد است که رفتار انحرافی نتیجه ضعف پیوندهای فرد با جامعه عادی است. در نظریه هیرشی چهار عنصر برای پیوند فرد با جامعه یا دیگران عادی دیده شده است:

دلبستگی: میزان توجه و حساسیت فرد نسبت به دیگران و دیدگاه‌ها و توقعات‌شان؛  
سرسپردگی: میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار همنوا و نابهنجار افراد؛

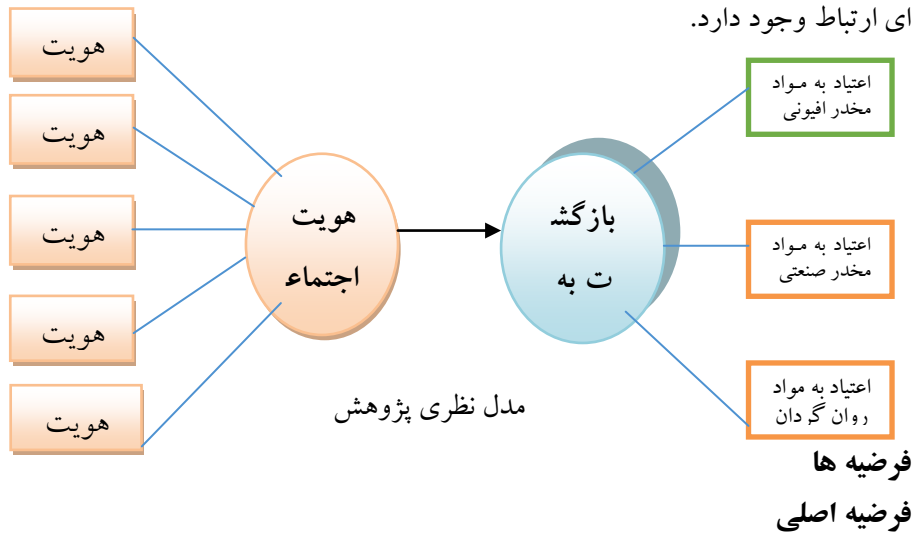
درگیر بودن: میزان وقتی که فرد در فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛ هویت داشتن: میزان اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی درونی برای فرد، یا میزان درونی کردن هنجارهای اجتماعی. (آبادینسکی، ۱۳۸۴: ۷۲؛ وایت و هینز، ۱۳۸۳: ۳۰۷ - ۳۰۶).

جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند - خویشی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و..... در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان رده بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند و در نتیجه باعث کاهش گرایش‌های فرد به انحرافات مختلف می‌شود (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

شاو و مک‌کی، اصطلاح منطقه بزهکاری را ابداع کردند و می‌گویند که در محله‌های فقیرنشین شهرها، رفتار مجرمانه یک الگوی عادی است. در چنین مناطقی جوانان ارزشها و رفتارهای کجرو را یاد می‌گیرند و درونی می‌کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می‌شوند؛ زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می‌کنند که خود مجرم و منحرف بوده‌اند. به موجب تئوری که آنان ارائه می‌دهند، اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی یک منطقه جغرافیایی معین (تراکم جمعیت مخصوصاً سطح اقتصادی) و به طریق اولی، طبیعت گروه ذینفع، تأثیری قاطع بر نرخ جرم دارند (گسن، ۱۳۷۰: ۱۴۹).

بنابراین از نظریه‌های بروس الکساندر، هیرشی و جنکینز و شاو و مک‌کی این فرضیه‌ی اصلی استخراج می‌شود که: بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه





- بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.  
فرضیه های فرعی

- بین هویت ملی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.

- بین هویت دینی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.

- بین هویت فرهنگی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.

- بین هویت تاریخی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.

- بین هویت جغرافیایی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای ارتباط وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای شهر کرمانشاه می باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می باشد.

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می باشد. در مطالعه میدانی، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ی

ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری این مطالعه کلیه ی معتادان بهبود یافته مناطق حاشیه ای می باشد که تعداد آنها بر اساس آمار رسمی حدود ۴۸۰۰ هزار نفر می باشد. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه ی نمونه گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۵۵ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 4800 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{4800} \left( \frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 355$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله ای با استفاده از نمونه گیری خوشه ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. پس از گردآوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد.

در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می باشد.

## تعریف متغیرها

### هویت اجتماعی

تعریف مفهومی: هویت اجتماعی مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (جنکینز، ۱۳۹۱: ۵).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر احساس هویت اجتماعی با شاخص‌های هویت ملی، هویت دینی، هویت فرهنگی، هویت جغرافیایی و هویت تاریخی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

### بازگشت به اعتیاد

تعریف مفهومی: بازگشت به اعتیاد به معنی شروع دوباره مصرف مواد مخدر بعد از ترک می‌باشد. بدین ترتیب که فرد معتاد بعد از ترک مواد مخدر دوباره شروع به مصرف کند. تعریف عملیاتی: اعتیاد به مواد مخدر افیونی، اعتیاد به مواد مخدر صنعتی و اعتیاد به مواد روان گردان شاخص‌های بازگشت اعتیاد می‌باشند.

## یافته‌ها

### آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد افراد مورد مطالعه مرد هستند. با توجه به ویژگی‌ها فرهنگی خاص منطقه امکان مصاحبه از معدود زنانی که جزء جامعه آماری بودند وجود نداشت.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می‌دهد که میزان ۰/۶۵ از پاسخگویان دارای سواد زیر دیپلم و ۰/۲۵ دیپلم، ۰/۴ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی و ۰/۶ پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و بالاتر می‌باشند.

همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۸ پاسخگویان دارای سن زیر ۱۸ سال، ۰/۲۳ دارای سن ۱۸ تا ۲۲ سال، ۰/۳۴ دارای سن ۲۳ تا ۳۰ سال، ۰/۲۰ سن ۳۱ تا ۴۰ سال و ۰/۱۵ بالاتر از ۴۰ سال می‌باشند.

بر اساس یافته‌ها در بین شاخص‌های هویت اجتماعی، هویت تاریخی دارای بیشترین میانگین (۳/۰۱) و هویت فرهنگی دارای کمترین میانگین (۲/۱۵) می‌باشد. همچنین میزان گرایش به هویت ملی (۲/۵۱)، هویت دینی (۲/۷۸) و هویت جغرافیایی (۲/۵۶) می‌باشد.

### آمار استنباطی

#### بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می‌شود.

$H_0$ : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند

$H_1$ : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

جدول ۱. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

خرده مقیاس‌ها شاخص‌ها	هویت ملی	هویت دینی	هویت فرهنگی	هویت تاریخی	هویت جغرافیایی
	مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۴۱	۲/۳۳	۲/۶۶	۳/۱۴
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۴

با توجه به جدول شماره ۱ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰.۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمونهای پارامتریک را بکار گرفت.

#### آزمون فرضیه‌ها

- بین هویت اجتماعی و ابعاد آن (ملی، دینی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی) با

بازگشت به اعتیاد ارتباط معنادار وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف هویت اجتماعی (ملی، دینی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی) با بازگشت به اعتیاد از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته ها به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

بازگشت به اعتیاد		نام متغیر / شاخص ها	
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۳۳	ملی	هویت اجتماعی
۰/۰۰۱	۰/۲۸	دینی	
۰/۰۰۱	۰/۲۶	فرهنگی	
۰/۰۰۱	۰/۱۷	تاریخی	
۰/۰۰۳	۰/۱۵	جغرافیایی	
۰/۰۰۰	۰/۲۷	میزان کل هویت اجتماعی	

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد هویت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با بازگشت به اعتیاد رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت ملی و بازگشت به اعتیاد ( $P = -0/33$ ) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت جغرافیایی و بازگشت به اعتیاد دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P = -0/15$ ) می باشند.

همچنین رابطه بین هویت دینی ( $P = -0/28$ )، هویت فرهنگی ( $P = -0/26$ ) و هویت تاریخی ( $P = -0/17$ ) با بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت اجتماعی ( $P = -0/27$ ) و شاخص های آن در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بازگشت به اعتیاد کمتر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند.

## مدل معادله ساختاری

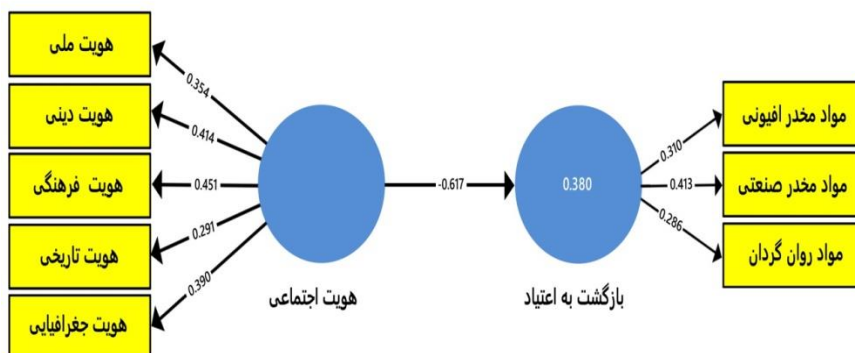
به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف هویت اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه ای شهر کرمانشاه از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل های معادله ساختاری پژوهش پرداخته شده است. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده های تجربی در مجموع حمایت کننده ای مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدل سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر AMOS، LISREL و EQS) فاقد شاخص های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده های گردآوری شده می باشد، این امر به ماهیت پیش بین محور PLS بستگی دارد. بنابراین شاخص های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش بینی متغیرهای وابسته می شوند؛ مانند شاخص های افزونگی<sup>۱</sup> و حشو<sup>۲</sup> یا شاخص GOF می باشد. در واقع این شاخص ها نشان می دهند که برای مدل اندازه گیری معرف ها تا چه حد توانائی پیش بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برونزا تا چه حد و با چه کیفیتی توانائی پیش بینی متغیرهای درونزا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر هویت اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۲: مدل معادله ساختاری اثر هویت اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد

1. Communalilty
2. Redundancy



جدول ۳. برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۴	۰/۰۸۱	۰/۹۰

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برازش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۴. برآورد اثر متغیر هویت اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
هویت اجتماعی	<---	بازگشت به اعتیاد	۰/۳۸۰	-۰/۶۱۷	1/2	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر هویت اجتماعی در مجموع  $-۰/۶۱۷$  از واریانس متغیر بازگشت به اعتیاد را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۸) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر هویت اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر بازگشت به اعتیاد را دارد. (۲) اثر متغیر هویت اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر هویت

اجتماعی بر بازگشت به اعتیاد تأثیر دارد، تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر متغیر هویت اجتماعی بر متغیر بازگشت به اعتیاد منفی، معکوس و در حد متوسط برآورد می‌شود، به این معنا که افزایش میزان هویت اجتماعی می‌تواند در حد متوسط منجر به کاهش بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه‌ای گردد.

### نتیجه‌گیری

همانطور که ذکر شد فردی که مدت‌ها از مصرف مواد مخدر به عنوان راهکاری در جهت مقابله با استرس‌ها، فرار از مشکلات، شیوه توزیع و حتی وسیله‌ی برقراری ارتباط اجتماعی در جمع دوستان استفاده کرده است، به راحتی نمی‌تواند پس از درمان‌های کوتاه مدتی چون سم زدایی، از گرایش دوباره به مصرف مواد رها گردد. بنابراین یکی از مهم‌ترین مسائلی که مسئولان و خانواده‌های معتادان بهبود یافته باید در نظر بگیرند اقدامات لازم در جهت کمک‌های مختلف به این افراد برای عدم بازگشت به اعتیاد است. شناسایی و به‌کارگیری این اقدامات می‌تواند به فرد معتاد کمک چشم‌گیری نماید تا دیگر جای مواد مخدر و یا توهم‌زا را که تا دیروز همدم و تسکین‌دهنده‌اش بود را خالی نیند.

در همین راستا، با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی بازگشت به اعتیاد در میان معتادان بهبود یافته در این پژوهش به تحلیل و بررسی میزان ارتباط بین ابعاد مختلف هویت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با بازگشت به اعتیاد به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان دادند که بین تمامی ابعاد هویت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با بازگشت به اعتیاد رابطه منفی و معکوس و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت ملی و بازگشت به اعتیاد ( $P = -0/33$ ) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت جغرافیایی و بازگشت به اعتیاد دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P = -0/15$ ) می‌باشند.

همچنین رابطه بین هویت دینی ( $P = -0/28$ )، هویت فرهنگی ( $P = -0/26$ ) و هویت تاریخی ( $P = -0/17$ ) با بازگشت به اعتیاد در مناطق حاشیه‌ای دارای ضریب همبستگی



مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت اجتماعی ( $P = -0/27$ ) و شاخص های آن در بین شهروندان بیشتر باشد میزان بازگشت به اعتیاد کمتر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند.

یافته های پژوهش حاضر با یافته های پژوهش های شیخ الاسلام و کاکویی (۱۳۹۱)، سماوی و دیگران (۱۳۸۸) و ارفورد (۱۹۹۴) همخوانی دارد. هر کدام از نظریه پردازان فوق در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که بین هویت افراد و گرایش آنها به مواد مخدر ارتباط وجود دارد و این ارتباط به صورت معکوس می باشد. همنبن الکساندر، هیرشی و جنکینز نیز در نظریه های خود به ارتباط منفی بین هویت و رفتارهای کجروانه پی بردند. بنابراین این نتیجه ی کلی حاصل می شود که وجود هویت در بین افراد معتاد ترک کرده عاملی است که میزان بازگشت به اعتیاد را کمتر می کند. به کمک هویت است که افراد به تعریفی از خویشتن می رسند که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آن ها در تعارض باشد، حالت هایی چون فشار روانی و مشکلات رفتاری را تجربه می کنند. اگر فرایند هویت یابی معتادان ترک کرده مختل شود، آنها دچار آشفتگی هویت یا آشفتگی نقش اجتماعی خود خواهند شد که می تواند زمینه های بازگشت به اعتیاد را فراهم سازد.

## فهرست منابع

فارسی

- آبادینسکی، هوارد. (۱۳۸۴). مواد مخدر نگاهی اجمالی. ترجمه محمدعلی زکریایی و دیگران، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- اختیاری، حامد، بهزادی، آرین؛ گنجگاهی، حبیب؛ مگری، آذرخش؛ عدالتی، هانیه؛ بختیاری ربیعی نغمه، مرتضی؛ عقابیان، محمدعلی. (۱۳۸۷). بررسی مناطق مغزی در گیر در ولع مصرف معتادان تزریقی هرویین به وسیله تصویربرداری مغزی عملکردی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، شماره پیاپی ۵۴، پاییز.
- اردلان، علیرضا و رزقی شیرسوار، هادی. (۱۳۸۸). دلایل حاشیه نشینی در کلانشهر تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال اول، پیش شماره سوم، زمستان.
- ایمان، محمد تقی. کیدقان، طاهره. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۴ و ۴۵. زمستان ۸۱ و بهار ۸۲.
- بلومر، هربرت. (۱۳۷۳). جورج هربرت مید، آینده بنیانگذاران جامعه شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- تیسون، مری؛ دیجنه‌ارت، لوتیزا؛ هال، واین. (۱۳۸۴). اعتیاد. ترجمه: منیژه صادقی بنیس، افسانه طاهری، فریبا نبوی آل آقا، تهران: نشر ساوالان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- دیلینی، تیم (۱۳۹۰). نظریه های کلاسیک جامعه شناسی. تهران: نشر نی.
- سادوک، ویرجینیا آلکوت و سادوک، بنجامین. (۱۳۸۹). خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری / روانپزشکی بالینی. ترجمه فرزین رضاعی، تهران: انتشارات ارجمند.
- سماوی، سیدعبدالوهاب و حسین چاری، مسعود. (۱۳۸۸). سوء مصرف مواد مخدر و پایگاه هویت در دانشجویان. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی): دوره ۵، شماره ۲۰.
- شیخ الاسلام زاده، سلما و کاکویی، مرضیه. (۱۳۹۰). رابطه بین ابعاد هویت و سبک دلبستگی با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر. روانشناسی تربیتی: پاییز، دوره ۲، شماره ۳، پاییز ۷.
- صفری حاجت آقایی، سعیده؛ کمالی، ایوب؛ دهقانی فیروزآبادی، سمیرا؛ اصفهانی، مهدی. (۱۳۹۵). فراتحلیل مقایسه عوامل فردی و محیطی مؤثر بر بازگشت مجدد به اعتیاد بعد از ترک

- مواد مخدر (ایران: ۱۳۹۱ - ۱۳۸۳). اعتیاد پژوهی، دوره ۸، شماره ۳۰.
- فرجی، فریبا. (۱۳۹۵). تحلیل اجتماعی عوامل موثر بر بازگشت مجدد به مصرف مواد مطالعه موردی مرکز اقامتی درمانی ماده ۶۱ استان البرز. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- فیاضی بردبار، محمدرضا؛ عبدالهیان، ابراهیم؛ سرگلزایی، محمدرضا؛ ثمری، علی اکبر. (۱۳۸۱). همبستگی بین نمرات شاخص شدت اعتیاد و مدت باقی ماندن در درمان «در بیماران وابسته به اوپیوئید تحت درمان با نالتروکسان». همایش سراسری اعتیاد چالش ها و درمان ها، دانشگاه علوم پزشکی زنجان.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه ای)، ترجمه ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته ی علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- گسن، ریمون. (۱۳۷۰). مقدمه ای بر جرم شناسی. ترجمه مهدی کی نیا. تهران: انتشارات مترجم.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. فصلنامه ملی سال سوم، شماره ۱۰ (صفحه ۱۴ - ۲۰).
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- محمدی، جمال؛ حسنی نژاد، اردلان و اصانلو، علی. (۱۳۹۳). تاثیر هویت محلات بر احساس امنیت شهروندان. پژوهش های اطلاعاتی و جنایی: بهار، دوره ۹، شماره ۱ (مسلسل ۳۳).
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی: نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- وایت، راب و هینز، فیونا. (۱۳۸۳). جرم و جرم شناسی. ترجمه علی سلیمی. تهران: موسسه حوزه و دانشگاه.

#### انگلیسی

- Alexander, Bruce K. (1990), Alternatives to the war on drugs. Journal of Drugs. 20(1).
- Biernacki, Patrick (1986), Pathways from Heroin Addiction: Recovery without Treatment. Philadelphia: Temple University Press.
- Bounstein, Paul J., Hatry, Harry P., Altschuler, David M., and Blair, Louis H. (1990), Substance Use and Delinquency Among Inner City Adolescent Males. Washington, DC: Urban Institute.

- Islam,SK. Nazrul and et al (2000). sexual life style ,Drug habit and socio- demographic status of Drug Addict in Bangladesh. Public Health, vol.114 ,N.5
- Merton, Robert K. (1980) “Social Structure and Anomie” in Traub, Sturat H. & Little Craig B (eds.) Theories of Deviance, New York: F. E. Peacock.
- Orford, J. (1994). Empowering family and friends. Drug and Alcohol Review, No. 13.
- Wills, Thomas Ashby et al. (2013). Buffering Effect of Religiosity for Adolescent substance Use, Psychology of Addictive Behaviours, Vol. 17, No. 1.
- Yacoubian, George S., Jr.: Peters, Ronald J. (2012). Identifying the prevalence and correlates of ecstasy use among high scholl seniors surveyed through 2002 Monitoring the Future, Journal of Alcohol and Drug Education. Vol. 49, No. 1